

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره هشتم، بهار ۱۴۰۱، ص ۴۸۰ - ۵۰۳

کرامت انسانی در آثار امیرعلی شیرنویایی

محمدزکی علیزاده^۱

محمد مهدی کریمی نیا^۲

چکیده

کرامت انسان، در اسلام، بر اساس یک امر هستی شناسانه که همانا خلقت ویژه‌ی انسان است، استوار می‌باشد؛ به چنین کرامتی، کرامت ذاتی اطلاق می‌گردد. به عبارت دیگر، انسان دارای دو نوع کرامت می‌باشد؛ نخست کرامت و شرافت ذاتی مبتنی بر یک سلسله مفاهیم و ارزش‌های بنیادین اخلاقی و دینی و دوم کرامت و شرافت اکتسابی که با ایمان ورزی و تقوای پیشگی قابل رویش و افزایش می‌باشد. رویش کرامت نوع دوم، با عملیاتی کردن احکام و فرامین الهی در زندگی انسانی، میسر می‌گردد. قرآن کریم وقتی از نیروی تعقل، اراده‌ی آزاد، قدرت انتخاب و سرمنشأ نفخه‌ی الهی داشتن خلقت انسان صحبت می‌کند و تمام انسان‌ها را در نحوه‌ی خلقت یکسان می‌داند، به کرامت و شرافت ذاتی انسان اشاره دارد و آنگاه که می‌گوید معیار برتری انسان‌ها تقوای الهی است، از کرامت اکتسابی انسان سخن به میان می‌آورد. در هر صورت، نوشته‌ی حاضر، کرامت و شرافت ذاتی و اکتسابی انسان را در آثار امیرعلی شیرنویایی با روش توصیفی - تحلیلی، مورد تحلیل قرار داده و به نتایج مهمی نیز دست یافته است.

واژگان کلیدی: کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی، اسلام، انسان، آثار علی شیرنویایی.

۱. دانش آموخته حوزه و دانشجوی دکتری حقوق خصوصی جامعه المصطفی (ص) العالمیه، پژوهشگر و نویسنده مسؤل،

alizada.zaki@yHoo.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم،

kariminia@quran.ac.ir

درآمد

در اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۹۴۸م)، میثاقین بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۹۶۶م) و حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (مصوب ۱۹۶۶م) نیز کرامت ذاتی انسان بر اساس مبانی چون قدرت تعقل و تفکر، آزادی، اراده و اختیار انسان توجیه شده و شناسایی این حیثیت انسانی برای همه اعضای خانواده بشری، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان شناخته شده است (Novak, ۱۹۹۹, p: ۳۸-۳۹).

از نظر غربی‌ها نیز کرامت، یک امر ذاتی و غیر قابل انفکاک از انسان بوده و تصور انسانیت انسان، بدون آن ممکن نمی‌باشد؛ زیرا آنان معتقدند تا زمانی که عنوان انسان و بنی آدم بر کسی صادق باشد، او از کرامت انسانی و حقوق فطری ناشی از آن نیز برخوردار می‌باشد. از نگاه آنان کرامت بشری چیزی نیست که حتی با ارتکاب جرم و جنایت برخورد یا دیگران، زایل گردد. در مقابل، مبنای کرامت ذاتی انسان از منظر اندیشمندان اسلامی، علاوه بر حقایق عینی فوق، دمیدن روح الهی در انسان، مسجود ملائکه بودن و امانت دار بودن انسان، می‌باشد.

نکته‌ی مهم در این زمینه این است که اندیشمندان اسلامی، علاوه بر کرامت ذاتی، کرامت اکتسابی را نیز برای انسان مورد شناسایی قرار داده که می‌تواند مبنای رعایت حقوق اضافی برای انسان باشد. از نظر متفکران اسلامی به دست آوردن کرامت اکتسابی در گرو اعمال و رفتار اختیاری انسان می‌باشد و انسان زمانی به شرافت و کرامت واقعی دست پیدا می‌کند که با تکیه بر کرامت ذاتی، بتواند از نعمت‌های خداوند در جهت کمال انسانی‌اش سود ببرد و به قرب الهی بار یابد. بنابراین، کرامت ذاتی انسان، مقتضی انجام اعمال صالح، یعنی رفتار نیک، پندار نیک و گفتار نیک می‌باشد که نتیجه‌ی قطعی و طبیعی آن داشتن جامعه‌ی ایده‌آل و تشکیل مدینه‌ی فاضله می‌باشد؛ در چنین آرمان‌شهری است که تمام ابنای بشر می‌توانند به صورت مسالمت‌آمیز، برادرانه و برابراه زندگی نموده و به امنیت واقعی، رفاه و عدالت اجتماعی دست یابند.

علی شیرنویایی که در معارف اسلامی، ید طولای داشته و زمانی را در مسند قدرت بوده است، توجه وافز به کرامت انسانی به معنای اسلامی آن داشته و تلاش کرده است تا تربیت انسان‌ها بر مبنای کرامت ذاتی آن‌ها صورت گیرد و تمام افراد بشر به حقوق مساوی‌شان دست یابند. نوشته‌ی حاضر تلاش کرده است جایگاه کرامت ذاتی انسان را در آثار علی شیرنویایی مورد تحلیل قرار داده و از این رهگذر رهیافتی برای برون رفت از تمام مظالم، نگون‌بختی و عقب‌ماندگی مردم افغانستان جستجو نماید و راهکاری را برای زندگی مسالمت‌آمیز مردمان کشور و تأمین امنیت و رفاه اجتماعی در افغانستان ارائه نماید؛ زیرا زندگی مسالمت‌آمیز، تأمین امنیت و رفاه اجتماعی، جز در سایه‌ی توجه به کرامت ذاتی و سعی در جهت به دست آوردن کرامت اکتسابی انسان، میسر نمی‌باشد.

۱- مفهوم شناسی

قبل از ورود به اصل بحث، با واژه‌ی کرامت انسانی و علی شیرنوایی آشنا می‌شویم:

۱-۱- تعریف کرامت انسانی

برای آشنایی با کرامت انسانی، ابتدا واژه‌ی کرامت را در لغت و اصطلاح تعریف نموده و پس از آن به تعریف کلمه‌ی ترکیبی کرامت انسانی می‌پردازیم:

۱-۱-۱- کرامت در لغت

مهم‌ترین معانی لغوی «کرامت»، ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه منزلت، نزاهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگی‌ها، احساس خوب و بخشش،^۱ جوانمردی و سخاوت می‌باشد (ر، ک: دهخدا، ۱۳۷۳: ص ۱۶۰۷۰؛ معین، ۱۳۷۸: ص ۸۴۰)؛ به اعتقاد نویسنده‌ی کتاب مفردات، واژه «کرم» هم در معنای کرامت ذاتی استعمال شده و هم در معنای کرامت اکتسابی به کار رفته است؛ زیرا به باور ایشان: «هر گاه خدای تعالی با این واژه وصف شود، کرم، اسمی است برای احسان و نعمت بخشیدن ظاهر و روشن او و هرگاه انسان با این واژه وصف گردد، کرم، اسمی است برای اخلاق و افعالی پسندیده‌ای که از انسان ظاهر می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۴: ص ۴۲۸). نویسنده‌ی دایرة المعارف انگلیسی آکسفورد نیز، واژه «کرامت Dignity» را به معنای شرافت، حیثیت، افتخار و استحقاق احترام دانسته است (به گزارش: رحیمی نژاد، اسماعیل، ۱۳۹۰: ص ۱۱۵).

۱-۱-۲- کرامت در اصطلاح

معنای اصطلاحی کرامت را با توجه به تقسیم بندی، کرامت که به دو قسم ذاتی و ارزشی یا اکتسابی تقسیم شده است انجام می‌دهیم؛ کرامت ذاتی، حیثیتی است که تمامی انسان‌ها به صرف انسان بودن، بی‌هیچ گونه استثنایی از آن برخوردارند و رنگ، نژاد، گویش، جنسیت، وضعیت سیاسی - اجتماعی و... در آن دخالتی ندارد (ر، ک: ارژنگ و دهقان سیمکانی، ۱۳۹۴: ص ۲۵).

این معنی در حدیثی از رسول خدا (ص) نیز منعکس شده است که فرمود:

«الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالٌ لِلَّهِ فَأَحِبَّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ؛

۱. این معنای در یکی از مقطعات امیرعلی شیرنوایی چنین آمده است:

جوانمرد از کرم مفلس نگردد	سخی را از عطا چین نیست در چهر
پیاشیدن چه نقص آید بدریا	با فشاندن چه کم گردد زر مهر

تمام مردم تحت تکفل خداوند و بندگان او هستند و محبوب ترین آن‌ها در نزد خدا کسی است که نسبت به مردم، منفعت‌رسان ترین باشند» (حرعاملی، ۱۴۰۹هـ.ق/۱۶: ص ۳۴۵).

این معنای کرامت در بند «الف» ماده ششم و بند «ب» ماده نهم اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی که در سال «۱۴۱۱هـ.ق» در قاهره تصویب گردید نیز منعکس شده است (ر، ک: عبادی، ۱۳۸۳: ص ۷۰).

بر اساس کرامت ذاتی، انسان افزون بر حیات نباتی و نفس حیوانی از روح انسانی و نفخه‌ی الهی نیز بهره‌مند می‌باشد و تکریم او به جهت برخورداری از روح انسانی است که به هیچ موجود دیگری داده نشده است؛ روحی که منشأ قوای عالیه، دانایی و توانایی، شور و شعور انسانی، اراده‌ی آزاد و حق انتخاب در انسان می‌شود و انسان به خاطر آن از ظرفیت بالای علمی و شناختی که بزرگ‌ترین ظرفیت علمی یک ممکن الوجود است، برخوردار می‌گردد.

علامه طباطبایی در مورد معنای فوق، گفته است: «تکریم انسان به نعمت عقل است که تنها به انسان اعطا شده است و او با عقل، نیک را از بد و خیر را از شر تشخیص می‌دهد^۱ و مسائل دیگری مانند نطق، حظ و تسلط و تسخیر موجودات دیگر بر عقل انسان متفرع می‌شود و تفضیل انسان به این است که از نعمت‌هایی که به دیگر موجودات داده شده است، سهم بیشتری دارد» (طباطبایی، ۱۳۷۰/۱۳: ص ۱۵۶).

به هر حال، پس از دانستن معنای اصطلاحی کرامت ذاتی، به تعریف اصطلاحی کرامت اکتسابی می‌پردازیم؛ کرامت اکتسابی، مربوط به اموری است که انسان با تلاش و کوشش خویش بر مبنای ایمان و تقوا به دست می‌آورد و بر اساس حرکت بر مدار ایمان و تقوا پیشگی، تعالی می‌یابد. (ر، ک: جعفری، ۱۳۷۰: ص ۲۷۹).

بر اساس تعریف اصطلاحی کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی، می‌توان گفت از آنجای که حقیقت انسان جلوه‌ی تام حضرت حق بوده و هر کمالی که حضرت حق بالذات دارد، انسان نیز می‌تواند به تبع حضرت حق (و بالعرض) دارا باشد، انسان به کرامت ذاتی متنعم می‌شود و سیر او در مسیر الهی می‌تواند این کرامت را افزایش دهد. به عبارت دیگر، حقیقت انسان آئینه‌ی تمام‌نمای حق است و بر همین مبنای، انسان خلیفه و جانشین حضرت ذوالجلال در زمین تلقی می‌گردد. بنابراین، هر انسانی باید

۱. برخورداری انسان از نیروی تعقل و توانایی تشخیص خوب از بد و اینکه می‌تواند با نیروی اراده و انتخاب خود، اعمال شایسته و خوب را برگزیند، مبنایی مهمی برای شرافت ذاتی انسان است.

تلاش کند تا به این حقیقت نزدیک شود و خود را به این جانشینی تعالی بخشیده و آئینه‌ی جانس را چنان صیقل دهد که زیبایی‌ها، کمالات و صفات حضرت حق را در خود ببیند و تماشا نماید (ر، ک: حسن زاده آملی، ۱۳۷۸: ص ۲۴ - ۲۳).

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت که واژه‌ی «کرامت انسانی / Human dignity» از منظر نویسندگان غربی، به معنای شرف، افتخار، استحقاق احترام، عنوان، رتبه و مقام، امتیاز و شرافت برجسته می‌باشد (Campbell, ۱۹۹۱, p: ۴۵۶) و از نگاه اندیشمندان اسلامی، کرامت انسانی حقی است که برای تمام انسانها تضمین شده است؛ زیرا بندگی خدا و فرزند آدم (ع) بودن، آنان را با یکدیگر متحد ساخته و از این جهت در کرامت ذاتی، با یکدیگر مساویند. البته به باور عالمان و اندیشمندان اسلامی، هرگاه فردی از افراد انسانی، کرامت انسانی را از روی اختیار و به سبب ارتکاب جنایت یا خیانت یا ایجاد و اشاعه‌ی فساد در جامعه‌ی انسانی از خویشتن سلب نماید، ذات انسانی خود را مسخ نموده و خائن به خویشتن و جامعه‌ی انسانی محسوب می‌گردد؛ زیرا او با اختیار خود کرامت ذاتی‌اش را از خویشتن سلب نموده و دیگر مستحق حقوق ناشی از کرامت انسانی نمی‌باشد (ر، ک: جوادی آملی، ۱۳۸۱: ص ۴؛ جعفری، ۱۴۱۹هـ.ق: ص ۱۵۹ - ۱۵۸).

قرآن کریم نیز در مورد چنین انسان‌های فرموده است:

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَانُوا نَعَامًا بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ؛

و مسلماً بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [زیرا] آنان را دل‌هایی است که به وسیله آن [معارف الهی را] در نمی‌یابند، و چشمانی است که توسط آن [حقایق و نشانه‌های حق را] نمی‌بینند، و گوش‌هایی است که به وسیله آن [سخن خدا و پیامبران را] نمی‌شنوند، آنان مانند چهارپایانند بلکه گمراه ترند؛ اینانند که بی‌خبر و غافل [از معارف و آیات خدا] اند (اعراف، آیه: ۱۷۹).

بنابراین، کسی که با سوء اختیار خود و ارتکاب جنایت، انسانیتش را مسخ نماید، مشمول حقوق که مبتنی بر کرامت ذاتی انسان است، نخواهد بود.

۱-۲- آشنایی با امیرعلی شیرنوبایی

امیرعلی شیرنوبایی را می‌توان در حوزه‌های زیر مورد بررسی قرارداد:

۱-۲-۱- علم آموزی و سیاست

امیر علی شیرنویبی که در هفدهم رمضان سال «۸۴۴ هـ.ق» در شهر هرات متولد شد، تحصیلات ابتدایی اش را در نزد پدرش گذراند و برای ادامه‌ی تحصیل و رسیدن به مقامات عالی تر علمی، به سمرقند رفت؛ وی به منظور تحصیل معارف و کمالات، به سمرقند و بسیاری از شهرهای دیگر مسافرت نمود و در آن میان گرفتار فقر و فاقه گردید. در این هنگام، سلطان حسین میرزا^۱ در هرات به سلطنت نشست و امیرعلی شیرنویبی را از سمرقند فراخواند^۲ و منصب مهربرداری خود را به او واگذار کرد و اندکی پس از آن، امر صدارت را نیز به وی داد.^۳ امیرعلی شیر با وجود این مشاغل، از مطالعات علمی و تألیفات مختلف دست برنداشت و مجلس او مجمع علما و فضلاء آن روزگار بود. ایشان وزیر و مشاور و مهر دار سلطان حسین بایقرا، شاعر ذواللسانین،^۴ منتقد اجتماعی، مترجم، تذکره

۱. امیر علی شیرنویبی، در خردسالی با سلطان حسین میرزا همدرس و هم‌مدرسه بوده‌است.

۲. سام میرزا در تحفه سامی که در زمان حیات امیر علی شیرنویبی، نوشته شده است در این زمینه آورده است: «تا آنکه سلطان حسین میرزا بر سریر سلطنت خراسان جلوس نموده و در همان روز مسرعی بجانب ماوراء النهر روانه ساخته و کتابتی به سلطان احمد پادشاه آنجا نوشت و استدعای ارسال میر مذکور نمود و آن پادشاه، میر سی و پنج ساله را با آنکه در کمال فقر و فاقه بود، یراق لایق نموده بخراسان فرستاد و چون میر به هری رسید»^۱

۳. پادشاه و ارکان دولت، موردش را با انواع تعظیم و تبجیل تلقی نمودند و در حال مهربرداری بدو مفوض گشت و بعد از اندک مدتی مقدم امرای دیوان گشته به پشت نشان‌ها مهر زد» (به گزارش: نوایی، ۱۳۴۲: ص: ده). علی شیرنویبی به مدت سی و پنج سال (۹۰۶ هـ.ق - ۸۷۶ هـ.ق) در دولت سلطان حسین میرزا به شغل دیوانی اشتغال داشته و در طی این مدت سال، بیش از شصت هزار بیت شعر بسراید و سی جلد آثار منثور را تألیف نماید: «مجالس بهشت چهارم، ص: ۲۶۵: به گزارش: همان).

۳. امیرعلی شیرنویبی در زندگانی سیاسی خویش، مناصب حکومتی گوناگونی، چون مهربرداری، امارت دیوان اعلی، حکومت هرات و حکومت استرآباد را عهده‌دار شد؛ اما آنچه شخصیت وی را در سلسله مراتب قدرت آن روزگار اهمیت و اعتباری افزونتر می‌بخشید، آن بود که در بیشتر برهه‌های زمانی به عنوان ندیم و مشاور اصلی پادشاه وقت، سلطان حسین بایقرا، شناخته می‌شد (ر، ک: میرخواند، ۱۱/۱۳۸۵: ص: ۵۷۲۵ - ۵۷۲۲؛ خواندمیر، ۴/۱۳۸۰: ص: ۵۹).

۴. علی شیرنویبی از بزرگزادگان خاندان جغتای، پسر چنگیزخان، حاکم ماوراءالنهر، کاشغر، بلخ و بدخشان و مردی نیکو صفت، دانشمند و شاعر بود. به خاطر اینکه اشعار بسیاری به دو زبان فارسی و ترکی جغتایی دارد، مشهور به «ذواللسانین» است.

نویس، عارف، سیاستمدار و بانی مراکز خیریه‌ی فراوان در خراسان و ماوراءالنهر بود و با این اعمال صالح، در صدد تعالی کرامت انسانی خویش بود.

او مردی نیکو صفت، دانشمند و شاعر بوده و اشعار بسیاری به دو زبان فارسی (تقریباً ۴۷۰۰ بیت) و ترکی جغتایی دارد، تخلص او در اشعار ترکی، «نویسی» و در اشعار فارسی، «فانی» یا «فناپی» بوده است. دولت‌شاه و سام میرزا که نویسندگان معاصر امیرعلی شیرنویسی محسوب می‌شوند در مورد شخصیت علمی امیر نوشته‌اند:

«امیرعلی شیر مردی بوده است به تمام معنی وارسته، بلند همت، بذال علم، دوست و عاشق و دل‌باخته دانش و هنر و چنانکه خواهد آمد، بیشتر اوقاتش را بمطالعه و تحقیق و تألیف و تصنیف و یا مجالست و مباحثه با دانشمندان و ظرفا - شعرا - مصروف می‌داشته و حتی شبها در کنار بالینش تا صبح شمع می‌سوخته و دوات و قلم و کاغذ حاضر داشته تا اگر بیدار شود و معنی و مطلبی بخاطرش برسد یاد داشت کند (به گزارش: نویسی، ۱۳۴۲: ص: یازده).

بنابراین، ایشان به کرامت ذاتی و اکتسابی انسان بی‌نهایت توجه داشته و تلاش وافر و سعی بلیغ نموده است تا عمر که گوهر ارزنده‌ی می‌باشد، بی‌جهت تلف نگردد و همواره برای کسب تقوا و صفات عالی انسانی به کار گرفته شود.

امیر علی شیرنویسی پس از مدتی از امور دولتی نیز کنار کشید و با عبدالرحمان جامی، مصاحب گردید و درویشی را بر تمام امورات دیگر ترجیح داد. او در عین دوری از کار دیوانی و امورات حکومتی، همچنان مورد توجه سلطان حسین بود و شاهزادگان موظف به استفاده از مجالس وی بودند. امیرعلی شیر، پیرو فرقه نقشبندیه و از مریدان جامی بود و در علم تفسیر، خود را شاگرد جاراالله زمخشری، می‌دانست. وی سرانجام در صبح روز یکشنبه یازدهم جمادی الآخر سال «۹۰۶هـ.ق» در شهر هرات درگذشت و در اخلاصیه‌ی که خودش ساخته بود، واقع در جوار آرامگاه گوهر شاد بیگم در منطقه‌ی خیابان هرات به خاک سپرده شد (ر، ک: حسنی و لیمائی، ۱۳۹۲: ص ۵۶؛ شرح احوال امیر علی شیرنویسی، منعکس در: <http://amiralishir.um.ac.ir>).

۱-۲- آثار و تألیفات

۱- مجموعه‌ی خمسه‌ی نوایی که به تقلید از خمسه‌ی نظامی به زبان ترکی جغتایی سروده شده و شامل: حیره‌الابرار (در اخلاق و تصوف، لیلی و مجنون، فرهاد و شیرین، سبعه‌ی سیاره، سدّ اسکندری یا اسکندرنامه)، می‌باشد.

- ۲- خمسة المتحیرین: رساله‌ای به زبان ترکی جغتایی در شرح حال عبدالرحمان جامی.
- ۳- دیوان فارسی شامل ۶۰۰۰ بیت غزل؛ فعلا یک نسخه از این دیوان در کتابخانه‌ی شورای ملی در تهران به شماره «۱۱۰۱» و نسخه‌ی دیگر در انستیتوی تحقیقات نسخ خطی تاشکند، به اسم دیوان فانی، نگهداری می‌شود (ر، ک: نوایی، ۱۳۴۲: ص: الف).
- ۴- ترجمة اللغة التركية بالفارسية که یک نسخه‌ی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود و فعلا در دسترس محققین می‌باشد.
- ۵- اربعین منظوم: دیوان ترکی غزلیات، شامل چهار دیوان به نام‌های غرائب الصغر (یا غرائب النوائب)، نوادرالشباب، بدایع الوسط و فوائد الکبر.
- ۶- سراج المسلمین: در موضوع فقه حنفی.
- ۷- مثنوی لسان الطیر: ۷۰۰۰ بیت به سبک منطق الطیر عطار به زبان ترکی.
- ۸- تذکره مجالس النفائس: این اثر به زبان ترکی و در شرح حال قریب به سیصد و پنجاه تن از بزرگان و شعرای معاصر وی همراه با نظر انتقادی درباره‌ی آنان می‌باشد.
- ۹- محاکمة اللغتين: رساله‌ای علمی - زبان شناختی در مقایسه‌ی دو زبان ترکی و فارسی و ترجیح و تفضیل زبان ترکی بر فارسی.
- ۱۰- محبوب القلوب: اثری اخلاقی - اجتماعی است که شبیه اطواق الذهب زمخشری درباره‌ی اصناف مختلف به شعر و نثر نگارش یافته است.
- ۱۱- نظم الجواهر: ترجمه‌ی منظوم نثرالآلی منسوب به حضرت علی (ع).
- ۱۲- الاربعین: ترجمه منظوم ۴۰ حدیث از حضرت رسول (ص).
- ۱۳- نسائم المحبه که ترجمه‌ی ترکی جامی است به علاوه احوال خلفا و مشایخ ترکستان.
- ۱۴- تاریخ انبیا: به زبان به ترکی.
- ۱۵- تاریخ ملوک عجم، به زبان ترکی.
- ۱۶- مفردات در معما، منشآت ترکی، منشآت فارسی، خزائن المعانی، حالات پهلوان اسد، حالات سید حسن اردشیر، قصه شیخ صنعان، مناجات نامه، میزان الاوزان و رساله عروضیه (ترکی) از دیگر آثار اوست؛ بسیاری از آثار نوایی به زبان‌های مختلف ترجمه و چاپ شده است. نوایی به عنوان

بنیان‌گذار ادبیات ازبکی معرفی شده بود و پس از او بود که ادبیات ازبکی رسمیت یافت.^۱ در دوره قاجار، شرح نویسی بر آثار نوایی رواج پیدا کرد و لغت نامه‌های ترکی مانند فرهنگ سنگلاخ میرزا مهدی خان استرآبادی و اللغات النوائیه و الاستشادات الجغتائیه برای آسان فهم کردن شعر نوایی، تدوین گردید.

۱-۲-۳- خدمات امیرعلی شیرنوایی

امیرعلی شیرنوایی علاوه بر مقام علمی و تألیفات بسیاری که داشت،^۲ شخصی خیر و نیکوکار بوده و خدمات فرهنگی انجام شده از سوی ایشان در ایران، به ویژه در مشهد مقدس و آستان قدس رضوی، چشمگیر می‌باشد. بنای ایوان جنوبی صحن عتیق و مدخل اصلی حرم مطهر علی‌بن موسی الرضا (ع)، آب نهر خیابان مشهد که از چشمه گیلان تا صحن عتیق کشیده شده و به اماکن متبرکه آبرسانی می‌کرده است، از خدمات ایشان در شهر مشهد به ویژه در حرم رضوی می‌باشد. مقبره فریدالدین عطار در نیشابور، بقعه قاسم الانوار در قریه لنگر تربت جام، بند طرق در خراسان، کاروان‌سراهای رباط سنگ‌بست و رباط دیز آباد نیز به همت امیرعلی شیرنوایی ساخته شده است. امیرعلی شیرنوایی در ساختن مدارس و مراکز علمی نیز اهتمام عجیبی داشته است که مشهورترین آنها مدرسه اخلاصیه، خانقاه اخلاصیه، مدرسه شفائیه، نظامیه هرات و مدارس خسرویه در مرو می‌باشد (همان). از میان تمام آثار ایشان، تنها کتاب چهل حدیث، نظم الجواهر^۳ (که در آن کلمات قصار امیرالمؤمنین علی (ع) را به نظم درآورده است)، سراج المسلمین و محبوب القلوب در زمینه مذهبی و اخلاقی تألیف شده است که می‌توان از بین سطور آن‌ها نظریه‌ی امیرعلی شیرنوایی را

۱. کتاب شرح احوال و آثار امیرعلی شیرنوایی (رساله‌ی دکتری دکتر صغری بانو شکفته، محقق پاکستانی) اخیراً به اهتمام رایزنی فرهنگی و مرکز تحقیقات فارسی جمهوری اسلامی ایران در اسلام آباد پاکستان تدوین شده و موسسه انتشاراتی بین المللی الهدی آن را در تهران چاپ کرده است.

۲. برخی در مقام معرفی امیرعلی شیرنوایی گفته است که: «وی، سیاستمدار و فرهنگ‌مرد پرآوازه‌ی روزگار تیموری بود و حضور توانمند و تکاپوهای افزون وی در عرصه‌های گوناگونی چون سیاست، پشتیبانی از اهل فرهنگ، ساخت و ساز بناهای عام‌المنفعه، نگارش و سرایش، توسعه‌ی ادب ترکی و... محبوبیت و شهرت فراوانی برای او به ارمغان آورد و جایگاهی پرفراز و رفعت در تاریخ فرهنگ خراسان زمین بخشید» (حسنی و لیمائی، ۱۳۹۲: ص: ۵۶).

۳. سلطان حسین بایقرا رساله‌ای را در ستایش نوایی نوشت؛ علی شیرنوایی نیز در سال ۸۹۰ هـ.ق، در پاسخ به رساله‌ی مذکور، ۲۶۶ کلمه از کلمات قصار منظوم حضرت علی (ع) (نثر اللالی) را ترجمه کرد و نام آن را نظم الجواهر گذاشت (ر، ک: نوایی، ۱۳۸۷، مقدمه نظم الجواهر).

در مورد کرامت ذاتی انسان کشف نمود و مورد تحلیل قرار داد. با وجود این، تنها اثری که در این زمینه در دسترس نگارنده قرار گرفت، چهل حدیث و دیوان اشعار فارسی ایشان است که مقاله‌ی حاضر را توانستم بر محور این دو اثر گرانسنگ بنگارم و نظریه‌ی ایشان را در زمینه کرامت ذاتی و اکتسابی انسان به نمایش بگذارم.

۲- کرامت ذاتی انسان در آثار علی شیرنویایی

گفتیم که کرامت تکوینی و ذاتی انسان به آن دسته از شایستگی‌های ذاتی و استعداد‌های انسانی اطلاق می‌گردد که می‌تواند در معرض هدایت و تربیت تعالیم آسمانی پیامبران قرار گیرد و باعث رشد و صعود انسان به مراتب کمال و مقامات والای انسانی شود. خداوند انسان را به سبب داشتن استعداد ذاتی و فطری برای درک حقایق و اسرار هستی خلیفه خود قرار داده است و تعلیم تکوینی حقایق هستی به او در آغاز آفرینش موجب گردید تا بشر برای احراز این مقام، شایسته تر از فرشتگان باشد (ر، ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ص ۱۷۸ - ۱۷۶).

بنابراین، کرامت تکوینی و ذاتی انسان، عبارت است از برخورداری انسان از شرافت وجودی نشأت گرفته از روح مقدس خدایی (ر، ک: رحمانی، مودنی، ۱۳۹۵: ص ۲۹).

نکته قابل تذکر در اینجا این است که بدانیم گرچند برخی از این شایستگی‌ها و ویژگی‌ها مانند انسانیت، ذاتی انسان‌ها بوده و قابل وضع و سلب از جانب کسی نمی‌باشد،^۱ اما در عین حال اگر چنانچه خود انسان بر اثر انحراف و ظلم، حقیقت انسانی خود را مسخ نماید، شایستگی‌ها و ویژگی‌ها مذکور در انسان مستور می‌گردد و با غیر فعال شدن آن‌ها نمی‌توان کرامت ذاتی را برای چنین انسانی ادعا نمود.^۲ علی شیرنویایی در طول زندگی فردی و اجتماعی‌اش تلاش نموده است تا این ویژگی‌ها و استعدادها در وجودش فعال بماند و با کسب کرامت اکتسابی، صفات عالی انسانی در وجودش متجلی گردد. در هر صورت، کرامت انسانی که به معنای شرف، افتخار، استحقاق احترام، عنوان، رتبه و مقام،

۱. دانشمندان اسلامی معتقدند که کرامت ذاتی انسان، مبنای قراردادی، اعتباری و عقلانی نداشته و بلکه ریشه در فطرت و آفرینش نوع بشر دارد و بر پایه‌ی فرامین الهی استوار می‌باشد.

۲. گرچند قرآن کریم برای انسان، حرمت و کرامت ذاتی قائل است، اما انسان‌های بد را در حد حیوان تنزل داده است. بنابراین، کرامت و حرمت ذاتی تا وقتی است که خوی انسانیت و شرافت انسانی وجود داشته باشد (ر، ک: مصباح، ۱۳۸۰: ص ۲۸۵). عده‌ای از کرامت خویش دور می‌گردند و همانند ماری که پوست می‌اندازد، اینان نیز از پوسته کرامت خویش دور می‌افتند. این عده، از بندگی خدا خارج می‌گردند و بنده شیطان می‌شوند (ر، ک: همان).

امتیاز و شرافت برجسته می باشد (Campbell, ۱۹۹۱, p: ۴۵۶) به لیاقت می دهد تا آسمان و زمین و هر آنچه در آنها هست برای او و تحت سلطه او درآید. مطالعه در آثار علی شیرنویایی نشان می دهد که وی به این باور رسیده بوده است که «کرامت ذاتی»، گوهری است که خداوند متعال به برترین مخلوق خود، اعطا کرده و انسان بدون این موهبت، نه وجودی دارد و نه ارزش وجودی. ایشان معتقد بوده است که خدای انسان با او نوعی پیوستگی و ارتباط دارد و همین حقیقت، مبانی اساسی حقوق و کرامت انسان را در جامعه‌ی بشری و حکومت دینی تبیین می کند (در این زمینه ر، ک: جعفری، ۱۳۷۰: ص ۳۸۰).

از منظر علی شیرنویایی، کرامت انسانی، مفهومی ژرف و قدیمی در تفکر انسانی و اسلامی داشته و مقصود از آن، امتیازی است که به انسان، به واسطه انسان بودنش، از همان بدو تولد و بدون توجه به دین، فرهنگ، زبان، نژاد، ملیت، مقام خویشاوندی و قومیت و... اختصاص می یابد. ایشان باور داشته است که کرامت ذاتی انسان باعث می شود تا افراد، بتوانند از کرامت، آزادی و قابلیت های خود برای پی ریزی نوآوری در عرصه های مختلف جامعه، بهره گیری نمایند (در این زمینه ر، ک: حسینی و دیگران، ۱۳۹۶: ص ۱۶۷).

آیه «۷۰» سوره‌ی اسراء نیز به این نوع از کرامت اشاره نموده و فرموده است:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»

ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار) حمل کردیم و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم».

یعنی خداوند، فرزندان آدم را به واسطه‌ی قوه تعقل و تفکر، نطق و قدرت تمیز حق از باطل و صورت زیبا و تدبیر دنیا و آخرت، کرامت و برتری بخشیده است.^۱

علی شیرنویایی مانند سایر متفکران اسلامی، کرامت ذاتی انسان را مجموعه‌ای از حقوق غیر قابل سلب و انتقال و پایه و اساس بسیاری از حقوق، امتیازات و تکالیف انسانی می دانسته است؛ ایشان تنها

۱. انسان از منظر قرآن کریم، برگزیده خداوند، خلیفه و جانشین او در زمین، نیمه ملکوتی و نیمه مادی، دارای فطرتی خود آشنا، آزاد، مستقل، امانت دار خدا و مسئول خویشستن و جهان است که ظرفیت علمی و عملی نامحدود دارد (ر، ک: مطهری، ۱۳۷۲/۲: ص ۲۷۲).

راه رسیدن به امتیازهای انسانی که امروزه تحت نام حقوق بشر مطرح شده است را تلاش در جهت تحصیل کرامت اکتسابی بر پایه‌ی کرامت ذاتی می‌دانسته و پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه‌ای را در گرو رعایت آن‌ها می‌سور می‌پنداشته است. تلاش‌های عملی و علمی او نشان می‌دهد که وی می‌خواسته است ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی، برابری و صلح در روابط داخلی و بین‌المللی، رواج یابد و ظلم، بی‌عدالتی، بی‌مهری، خشونت، جنگ، تجاوز و تبعیض در جغرافیای کشور اسلامی چون افغانستان ریشه‌کن گردد. (در مورد این مباحث ر، ک: رحیمی، ۱۳۹۰: ص ۱۱۴).

اندیشه‌های مترقی علی شیرنوازی نسبت به کرامت ذاتی و اکتسابی انسان در قلمرو کشوری به نام افغانستان چنان ریشه‌دار گشت که قانون‌گذار افغانستان، هدف تصویب قانون اساسی را ایجاد جامعه‌ی مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر قانونمندی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تأمین آزادی‌ها و حقوق اساسی مردم، دانسته است (ر، ک: مقدمه قانون اساسی).

ریشه‌دار بودن تفکر کرامت‌ذاتی و اکتسابی انسان در جغرافیای افغانستان باعث شده است که قانون‌گذار افغانستان در ماده «۶» قانون مذکور، مصوب نماید: «دولت به ایجاد یک جامعه‌ی مرفه و مترقی براساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه‌ی مناطق کشور مکلف می‌باشد.» بدیهی است که محور و مبنای تمامی حقوق مندرج در ماده فوق، کرامت ذاتی انسان و تلاش در جهت کسب کرامت اکتسابی می‌باشد. این استنباط را ذیل ماده «۲۴» همان قانون، تأیید نموده و به صراحت، مقرر کرده است:

«آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد.»

بنابراین، امیرعلی شیرنوازی توجه عمیق به کرامت ذاتی انسان داشته و تفکرات او در زمینه‌ی کرامت انسانی، پیشینه‌ی درخشانی در باب توجه به کرامت ذاتی و اکتسابی انسان در کشور، تلقی می‌گردد؛ زیرا ایشان اولین متفکر اسلامی بوده است که رعایت عدالت اجتماعی، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین تمام اقوام و پیروان مذاهب مختلف و انکشاف متوازن در کشور را در سیاست‌ورزی و حکومت‌داری خود جای داده و در این زمینه تلاش وافر نمود.

آثار عملی علی شیرنوازی، بیش از آثار قلمی و علمی او آینه‌ی کرامت ذاتی و اکتسابی انسان بوده است؛ به عنوان نمونه، تتعصبات خشک مذهبی که در زمان تیمور و پس از او شاهرخ، اشاعه‌ی

چشمگیر یافته بود، با روشن بینی و آزادمنشی امیرعلی شیرنواپی و نیز سلطان حسین میرزای بایقرا و توجه آن دو به علما و مشایخ فرقی مختلف به خصوص پیروان تشیع، پایان یافت و اختلافات شدیدی که میان پیروان تشیع و تسنن در این دوره وجود داشت، از بین رفت.

وجود فضای آزاد و حکومت نظام دموکراسی در زمان وزارت و دیوان داری علی شیرنواپی، باعث شد تا صاحبان افکار، عقاید و آراء مختلف، زمینه فعالیت بیشتری را پیدا نمایند و با استفاده از این فضای مناسب، آثار هنری، ذوقی و ادبی کامل تری را به منصفی ظهور برسانند؛ فضای آزاد که علی شیرنواپی به وجود آورده بود، باعث شد تا جان و مال مردم در سایه امنیت کامل قرارگیرد و عدالت اجتماعی در سراسر کشور به احسن وجه تأمین گردد (ر، ک: مجالس النفائس علی شیرنواپی، ص: ۱۰۴ به گزارش: نواپی، ۱۳۴۲: ص چهل و یک).

دلیل این همه تحفظ و حرص بر حفظ حقوق مبتنی بر کرامت ذاتی انسان، در زمان صدارت ایشان، باور قلبی و احترام عملی وی به کرامت ذاتی انسان و اعزاز و اکرام انسان بوده است؛ یعنی شکوفایی کرامت اکتسابی در آن زمان تنها یک عامل اساسی داشت که آن هم خروج علی شیرنواپی و سلطان حسین میرزا از دایره تعصبات قومی و قشری گری مذهبی و توجه بنیادی به کرامت ذاتی انسان بود. آن دو رئیس و وزیر عالم و با حکمت و درایت، جنگ هفتاد و دو ملت را عذر می نهادند و به پیروی از حقیقت، به آراء و عقاید ملل و نحل مختلف، احترام می گذاشتند؛ هرگز اجازه نمی دادند که افراد متعصب و قشری، قوم و مذهب را دست مایه اختلافات میان مسلمانان و به خاک و خون کشیدن آنان قرار دهند و در نتیجه، کرامت انسانی را به مسلخ ببرند. نتیجه آزادی مذکور در دوران علی شیرنواپی، رشد و ترقی علم، اخلاق، هنر، موسیقی، تذهیب، نقاشی و دیگر آثار تمدنی اسلام در حوزه جغرافیای افغانستان بود. امری که موجب شده بود هنرمندان بنام و برجسته در جغرافیای باختر زمین بروز و ظهور پیدا کنند و تألیفاتی در حکمت و فلسفه به خامه تحریر در آورند (ر، ک: همان: ص چهل و دو). جهانگیر هاشمی، صاحب کتاب مظهر الآثار که از بزرگان صوفیه محسوب می شد و در تته هندوستان زندگی می کرد، در وصف علی شیرنواپی حکیم و سلطان حسین میرزای بایقرای عادل گفته است:

پاک و روان بخش چو آب حیات	پادشهی بود بملک هرات
کوکبه آرای طریق ظفر	مرتبه افزای فریق هنر
پادشه عادل صاحب قران	خسرو جم قدر سلیمان مکان

بود مدام از پی تحقیق دین	با فضلا و فصحا هم نشین
دهر کهن یافت ز عدلش نوی	پنجه اسلام از او شد قوی
داشت امیری بهزاران کمال	نادر و ممتاز و عدیم المثال
شیر دل و صاحب شمشیر بود	نام خوشش میر علیشیر بود
تربیت اهل سخن ورد کرد	اهل سخن را ز جهان گرد کرد
از سر دانش بهزاران سپاس	گشت سخن سنج و معانی شناس
در ره دین رو بدلالت نهاد	وضع خلافت بعدالت نهاد
نقد بقا را بهنر خرج کرد	نیکی خود را بجهان خرج کرد

یعنی دین باوری و عدالت پیشگی سلطان میرزا و حکمت و علم وافر میرعلی شیرنواپی، باعث شکوفایی هنر، ادبیات، دانش و عدالت شد و اتباع چنین دولت کریمه‌ای، به کرامت انسانی‌شان واقف گشت و در جهت کسب کرامت اکتسابی و شکوفایی هرچه بیشتر کرامت ذاتی انسان تلاشها نمودند و تمدن اسلامی را در کشور افغانستان آن روز رقم زدند.

خود امیر علی شیرنواپی نیز در وصف سلطان میرزا گفته است:

ز خوبی هرچه باید نازنینان همه داری ولیکن از وفا خالی بر آن رخسار بایستی

به گزارش دو نویسنده‌ی هم‌عصر امیر علی شیرنواپی، دولت‌شاه و سام‌میرزا، نوایی، مجرد می‌زیسته و با اینکه مردی ثروت‌مند بوده است، تمام علائق دنیوی‌اش به علم و ادب و کتاب تعلق داشته و ثروت بیکرائتش را در راه تهیه کتاب و تألیف آثاز تازه و یا ایجاد ساختمان بقاع خیر و ساخت مساجد و مدارس و بیمارستان‌ها و آب‌انبارها و حفر قنوات و گردشگاه‌های عمومی مبذول می‌داشته است. در همین راستا علی‌شیرنواپی سیصد و هفتاد مسجد، مدرسه و صومعه و بنای مقابر و مزارات را نیز بنیاد، تعمیر و مرمت نموده است (ر، ک: حکمت، ۱۳۸۶: ص ۳۱؛ نوایی، ۱۳۴۲: ص یازده).

وی کتابخانه‌ی بی‌نظیری را در هرات فراهم آورده بوده است که طالبان علم و پژوهندگان دانش از آن بهره می‌برده‌اند؛ خطاطان، خوش‌نویسان، مذهب‌ان، مصوران و صحاف‌های بنام عصر ایشان نیز در کتابخانه‌ی مذکور، پیوسته مشغول استنساخ از کتب نایاب بوده و گروهی از دانشمندان و نویسندگان، با مساعدت مالی و مشوق‌های معنوی امیر علی شیرنواپی، به تألیف و تصنیف آثار بدیع اشتغال داشته‌اند (همان).

تلاش‌های فوق، همگی بر مبنای کرامت ذاتی انسان و برای کسب کرامت بیشتر انسانی توسط امیر علی شیرنویسی به انجام رسیده است؛ وی در وصف کرامت ذاتی انسان و گوهر انحصاری این موجود ذی‌جود، گفته است (<http://abbasi1388.blogfa.com>):

تو خوب و خلق تو خوب و تکلمت خوب

نبوده چون تو به خوبی کسی به عالم خوب

گشتی به خوبی و جان بخشی، از سخن که چو تو

نبوده، الله الله مسیح مریم خوب

علی شیرنویسی در کتاب چهل حدیث نیز احادیثی در مورد حقوق که مبتنی بر کرامت ذاتی انسان است را از رسول خدا (ص) نقل نموده است. وی معتقد است که پیامبر گرامی اسلام فرموده است: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ؛ کسی از شما صاحب ایمان نیست، مگر زمانی که برای برادر دینی‌اش چیزی را بپسندد که برای خود می‌پسندد» (ر، ک: نوایی: کتاب چهل حدیث منعکس در: <http://www.drсадigh.ir>).

در حدیث دیگری که از رسول خدا (ص) نقل کرده است به این معنی اشاره می‌کند که انسان بما هو انسان محترم است و باید هر انسانی، مورد لطف واقع گردد؛ او می‌گوید که پیامبر (ص) فرموده است:

«أَطْلَبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَانِ الْوَجْهِ؛

نیکی را در خرسند کردن مردم جستجو کنید» (همان).

یعنی انسان دوستی و گرامی داشتن انسان از حقوقی است که بر کرامت ذاتی وی مترتب می‌باشد. علی شیرنویسی در راستای معنای فوق، حدیث دیگری از رسول خدا (ص) نقل کرده است که فرمود:

«خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ؛

بهترین مردم کسی است که نفع‌رسان‌ترین مردم به انسان‌ها باشد» (ر، ک: همان).

اصل دیگری را که امیر علی شیرنویسی از احادیث رسول خدا (ص) در زمینه کرامت ذاتی انسان استخراج کرده است، اصل محبت‌ورزی نسبت به تمام انسان‌ها است. او می‌گوید که پیامبر خدا (ص) فرموده است: «تَهَادُّوا تَحَابُّوا؛ به همدیگر هدیه دهید و نسبت به همدیگر مهرورزی نمایید» (ر، ک: همان).

اصل گفتار خوب (الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَهُ؛ کلام نیکو صدقه است) و برابری و برادری و به فکر دیگران بودن (لَا يَشْبَعُ الْمُؤْمِنُ دُونَ جَارِهِ؛ مؤمن با وجود همسایه‌ی گرسنه، سیر نمی‌خواهد)، از دیگر وظایف و حقوقی است که علی شیرنویایی در زمینه‌ی آن‌ها از پیامبر خدا (ص) حدیث نقل نموده و عقیده‌اش را در زمینه‌ی کرامت ذاتی انسان، در قالب نقل حدیث، بیان داشته است (همان).

یکی از حقوق اساسی، انسانی و اسلامی که مبتنی بر کرامت ذاتی انسان بوده و مورد تأکید وافر امیرعلی شیرنویایی قرار گرفته است، عدالت اجتماعی، امنیت سرتاسری و برچیدن ظلم از جامعه می‌باشد. ایشان در مذمت آزار و کشتن خلاق و خطاب به یکی از وزرای ظالم سلطان حسین بایقرا به نام مجدالدین خوافی یا نظام الملک گفته است:

ای فلان سوختی خلاق را ملک را شدت تو ویران کرد
آتشی را که چون تو سوزنده است جز به کشتن علاج نتوان کرد

(ر، ک: نوایی، ۱۳۴۲: ص ۵د).

ایشان حدیثی را نیز به همین مضمون از پیامبر خدا (ص) نقل کرده است که فرمود:

«مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ لَا يَرْحَمَهُ اللَّهُ؛

کسی که به مردم رحم نمی‌کند، خداوند نیز به او رحم نخواهد کرد» (ر، ک: همان).

چنان که فرموده است:

«الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ؛

مسلمان کسی است که مردم از دست و زبانش در امان و امنیت باشد» (همان).

علی شیرنویایی به این نکته تفتن داشته است که خداوند متعال نیز با بیان احکام مختلف اخلاقی، از مقام کرامت انسان، حراست نموده و به بندگان خویش دستور داده است که مبادا بر خلاف شأن و کرامت خود و دیگر انسان‌ها عملی انجام دهند.

او به عنوان یک مفسر مدقق به این نکته نیز آگاهی داشت که امر به احسان و نیکو کاری (نحل:

آیه ۹۰؛ نساء: آیه ۳۶؛ بقره: آیه ۸۳؛ انعام: آیه ۱۵۱؛ اسراء: آیه ۲۳)

و خیر دیگران را به خیر بیشتری تلافی کردن یا شر آنان را بر شر کمتری پاسخ دادن، مایه‌ی اصلاح جامعه و گردش ثروت و تأمین امنیت عمومی در سطح اجتماع می‌گردد (ر، ک: طباطبائی، ۱۳۷۰/۱۲: ص ۳۳۰).

چنان که می‌دانست اجتناب از تکبر و پرهیز از تحقیر مردم (نساء: آیه ۳۶؛ اسراء: آیه ۳۷) و لزوم وفای به عهد و پیمان (مائده: آیه ۱) و دوری جستن از ستم و تعدی و تجاوز به حقوق دیگران (بقره: آیه ۲۲۹؛ مائده: آیه ۴۵) نیز، از جمله فرمان‌های خداوند در قرآن کریم است که مبتنی بر شرافت عمومی ذات انسان‌ها می‌باشد و تمام انسان‌ها با هر رنگ، نژاد، جنس، اعتقاد و طرز نگرش را شامل می‌شود. بنابراین، به اقتضای حرمت ذاتی انسان، آیات متعددی از قرآن بر تساوی نوع بشر با یکدیگر تأکید کرده است (ر، ک: جعفری، ۱۳۶۰: ص ۳۴۳) و لازمه ارزشمندی و کرامت ذاتی انسان، تحفظ کیان، شخصیت و حقوق خاصی برای همه انسان‌ها می‌باشد که هیچ کس نمی‌تواند آن را سلب نماید. این کرامت به گروه، قشر، مذهب و منطقه، جغرافیا، نژاد، رنگ و پوست اختصاص نداشته و شامل همه‌ی انسان‌ها می‌شود. امنیت، عدالت، رضایت خاطر و تأمین نیازهای معیشتی و اقتصادی و آسایش، از لوازم حفظ کرامت انسان هاست. این امور در فرهنگ اسلامی، مقدمه‌ی رشد و تعالی و برطرف کردن موانع داخلی برای رسیدن به مقصود است (ر، ک: ارژنگ و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۳۹).

۳- کرامت ارزشی و اکتسابی در آثار علی شیرنوايي

ویژگی‌های انسانی که رتبه، درجه و موقعیت افراد را نشان می‌دهد و جایگاه اجتماعی، سیاسی، دینی و خانوادگی آن‌ها را بیان می‌کند، مانند شاه، شاهزاده و مؤمن، کرامت اکتسابی و ارزشی قلمداد می‌گردد که قابل اکتساب و سلب می‌باشد. به تعبیر دیگر، کرامت اکتسابی شرافتی است که انسان به صورت ارادی و از طریق به کار انداختن استعدادها و توانایی ذاتی خود در مسیر رشد، کمال و کسب فضایل اخلاقی، به دست می‌آورد. یعنی گرچند همگان دارای شئون و حیثیت برابرند، اما انسان قادر است با به کار انداختن استعدادهای جمیله‌ی خود، مراتب کمال انسانیت را طی نموده و به مدارج عالی انسانی ارتقاء یابد که بدین ترتیب، رفتار انسانی، منزلت‌های متفاوتی را ایجاد می‌کند و در نتیجه افراد، نسبت به یکدیگر برتری پیدا می‌کنند (ر، ک: هاشمی، ۱۳۸۴: ص ۱۰۱).

بنابراین، مهم‌ترین معیار و محور این نوع کرامت (اکتسابی) بر اساس آموزه‌های دینی، «تقوا و ایمان» است.^۱ البته در بررسی جایگاه کرامت ذاتی انسان در اسلام بایستی میان کرامت ذاتی و

۱. برخی از اندیشمندان در رویکرد اسلامی، قائل به کرامت ذاتی بالفعل برای انسان نیستند؛ هرچند که بالقوه، انسان را گوهری شریف می‌دانند. از نظر آنان عقیده، ایمان و آزادی معنوی است که منشأ کرامت بالفعل انسان قرار می‌گیرد.

اكتسابی او تمایز قائل بود. نیز باید توجه داشت که کرامت ذاتی، حالت مشکک ندارد؛ زیرا کرامت ذاتی نتیجه بشریت است و بشریت، مفهومی مشکک نبوده و هر انسانی از آن رو که انسان است صاحب این نوع کرامت می‌باشد و همه انسان‌ها از آن رو که به یک اندازه از انسان بودن بهره برده‌اند، طبق آیه «ولقد کرّمنا بنی آدم» ذاتاً دارای کرامتی یکسان‌اند؛ اما کرامت اکتسابی ماهیتی قابل تفضیل دارد و مؤید به دین و عقیده و تقرب به خداست.

کرامت اکتسابی، بیش از کرامت ذاتی مورد توجه و عنایت حضرت نوایی بوده و اشعار او همگی توصیه به دین‌داری، تقوا و ایمان‌داری است؛ به عنوان نمونه در شعری از او آمده است:

ای دل اسرار خدا سالک فانی دانست گر تو فانی شوی این راز توانی دانست
 محرم کشور دل باش که جمشید ز جام راز عالم همه پیدا و نهانی دانست
 من شدم پیر ز عصیان و کنون زهد چه سود ایخوش آن کو ره طاعت بجوانی دانست

(ر، ک: نوایی، ۱۳۴۲: ص: د).

یعنی اگر می‌خواهی که صاحب سرّ خدا شده و رموز شریعت و طریقت را از طریق الهامات رحمانی دریابی، باید فانی فی‌الله شده و از خودبینی گذر نمایی؛ چه اینکه دل و قلب انسان جایگاه خداست و وقتی در کشور دل انسان، تنها خدا وجود داشته باشد، انسان به راز و رمز پنهان این عالم نیز پی خواهد برد. ایشان در پایان اشعار فوق توصیه می‌کند که انسان باید از همان ابتدای تکلیف و جوانی در صدد بندگی و کسب تقوای الهی باشد و گرنه در پیری، هوسی به گناه نمی‌ماند تا زهدی مورد نیاز باشد.

ایشان در جای دیگر در مورد کرامت اکتسابی (ر، ک: همان، ص شش) گفته است:

ز ابر تیره برقی جست طرف کوهساران را که روشن کرد، هر سو شمع گلهای بهاران را
 چو نرگس جام زر بگرفت و لاله ساغر یاقوت صلاي باده زد مرغ چمن پرهیزکاران را
 تو نیز ای پیر دیر اندر چنین فصلی بسر مستی ز کنج میکده سوی چمن کش می‌گساران را

یعنی نسیم هدایت الهی در هر کوی و برزنی به صورت آشکارا قابل رؤیت بوده و تنها پرهیزکاران می‌توانند از چنین نفحاتی هدایت‌بخش الهی استفاده نمایند. امیر علی شیر نوای نه تنها توصیه به

معیار اساسی در نگرش این بزرگواران، تقوا است و مقام و موفقیت انسان متوقف بر میزان کسب فضائل و کمالات الهی می‌باشد و از این رو حقوق واقعی انسان‌ها به جایگاه دینی و ایمانی آنان باز می‌گردد.

اخلاق و زهد و پارسایی کرده، بلکه خود نیز سنبل تقوا و ایمان بوده است. سلطان حسین میرزا در زهد و پارسایی و کرامت اکتسابی امیرعلی شیر گفته است: «از آن زمان که آنجناب از جلاباب عدم، خیمه بصرای وجود زده خلقت هستی پوشیده دامن عصمتش بلوث شهوت نیالوده و تکمه لولوء گریبان فتوتش به مادگی هوی و هوس مقید نگریده است. بلقیس زمان و زییده دوران خدیجه بیگم را این سخن باور نیامد و گفت که مگر میر بصف عینت و بعلت عدم رجولیت موصوف بوده باشند...» برای اینکه خدیجه بیگم به زهد امیرعلی شیرنوازی یقین حاصل کند، طرحی را برای به دام انداختن ایشان، به صورت زیر، بی ریزی نمود:

«خدیجه بیگم را دختر خانه‌ای پری پیکر ماه منظری بوده دولت بخت نام که... آفتاب فلک مینایی از تاب جمالش دیوانه گشته سر و روی برهنه بر بام گردون میدوید... خدیجه بیگم از برای کشف این راز به وی مقدمات آموخته او را به خانه میر فرستاد در وقتی که نو عروس فلک لاجوردی در سرا پرده مغرب نهان گردید و لحاف مشکین بسمه کاری شب دیجور را بر بالای خود پوشیده به خانه امیر علی شیر آمد چون وقت غیر معهود بود میر را حیرت بر حیرت افزود. القصه حکایات مرتبه را علی سبیل التفصیل معروض داشت و در اثنای گرمی سخن گفت آخ چه سازم که شب بیگاه شد. میر فرمود که باکی نیست امشب هم اینجا می‌توانی بود چون مدعای وی همین بود از جای عیان نمود. میر فرمودند که در جوار خانه خود از برای وی جای تعیین نمودند چون از شب پاسی گذشت آن سرو رعنا خرامان به خانه میر در آمد. میر که او را دید بفرست در یافت که از برای چه کاری آمده اما تغافل نمود آن طوطی شکر گفتار بگفتار درآمده گفت: ای مخدوم عالمیان و نور دیده آدمیان همچنان تصور کردم که هرموی که بر بدن من است بمتابه زنجیری شد و مرا کشان کشان بدین جانب آورد غالباً این کشمکش از این است که شما را نظر عنایتی باین کنیزک کمینه هست. میر فرمودند که این تکلیف‌ها و تلبس‌ها به کار نمی‌آید معلوم شد که شما از برای چه کار قدم رنجه فرموده‌اید... میر دست او را گرفته بر روی زانو نهاد و فرمودند که معلوم شما باد که داریم و می‌توانیم و اما نکرده و نمی‌کنیم و نخواهیم کرد». شعر زیر نیز همین معنی را به تصویر کشیده و بیان داشته است که:

ترک لذت‌های شهوانی سخاست هرکه در شهوت فرو شد برنخاست
خلق پندارند عشرت می‌کنند بر خیال پر خود پر می‌کند

«چون این حکایت بسمع میرزا و خدیجه بیگم رسید اعتقاد ایشان یکی در صد بلکه در هزار

به گفته‌ی امیر دولت‌شاه سمرقندی در تذکرة الشعراء: «امیر با وجود احتشام و حکومت، دائماً به فضیلت کوشیدی و با ارباب فضل، صحبت داشتی و طبع کریم و ذهن مستقیمش به گفتن اشعار و شنیدن آثار و اخبار مولع بودی. در اوان شباب ذواللسانین شده و در شیوه ترکی صاحب فن گردید و در طریق فارسی صاحب فضل... اکنون این امیر کبیر، حامی دین و دولت و پشت و پناه شرع و ملت است... درگاه رفیعش مرجع ضعفا و فقرا، خوان نعمتش برای مهجوران نعمت مهیا نهاده و باب کرمش بر رخ نیازمندان دائماً گشاده.» (همان: ص: نه).

آثار عرفانی و اخلاقی حضرت امیرعلی شیر پر است از توصیه به اخلاق، زهد و پارسایی که می‌خواهد تمام انسان‌ها را بر اساس فطرتشان پاک و طاهر تربیت نماید و با تکیه بر کرامت ذاتی انسان، کرامت اکتسابی و ارزشی وی را مدام افزون نماید. به هر حال، در، لثالی و جواهر فراوان و درخشانی که طی یکصد سال (۹۰۰ - ۸۰۰ هـ.ق) در سرزمین پهناور خراسان در تارک ادب و هنر زبان فارسی درخشیده و سالها پرتوافشانی نموده است، هر صاحب ادبی را مسحور و مفتون خود می‌نماید. تأثیر آثار خجسته بنیان علی شیر نوای، در تکمیل و ترفیع این شکوفایی ادبی و معرفتی در اواخر صدی هشتم، بلا تردید است. زیرا توجه، عنایت، ترغیب و تشویق ایشان در پیشرفت ادب و معرفت بیش از هر عامل دیگری مؤثر بوده است و آثار برجسته‌ی هنری و ادبی نیمه‌ی دوم قرن هشتم هجری قمری اکثراً بر اثر تشویق، ترغیب و خواهش و تمنای این وجود ارزنده پدید آمده و توسعه یافته است. پایان این مقال را با شعری از آن فرهیخته‌ی افغان زمین مزین می‌کنیم تا ختام این نوشتار مسک باشد:

من و کوی مغان وان مغیچه،^۱ کاز لعل جان پرور به نکته کرده زین دیر کهن بیرون مسیحا را
نتیجه

در آثار کم یاب و بعضاً نایاب علی شیرنوایی بسیار تصفح و تفحص نمودم و اشعار فارسی وی را در دیوان اشعارش و اشعار دیگر وی را در کتب دیگران خواندم و به نتایج زیر دست یافتم:

۱- از نظر اسلام و بالتبع از منظر میرعلی شیرنوایی، کرامت ذاتی، حیثیتی است که تمامی انسان‌ها به صرف انسان بودن، بی هیچ گونه استثنایی از آن برخوردارند و رنگ، نژاد، گویش، جنسیت، وضعیت سیاسی - اجتماعی و... در آن دخالتی ندارد. به عبارت دیگر، اصطلاح کرامت انسانی، ارزش فطری یا

شایستگی یک انسان است که با ماهیت انسانیت وجود یافیه و به عنوان مبنای فلسفی قانونی تمامی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است.

۲- بنا بر نظر اسلام و دیدگاه علی شیرنواپی، کرامت اکتسابی، شرافتی است که انسان به صورت ارادی و از طریق به کار انداختن استعدادها و توانایی ذاتی خود در مسیر رشد، کمال و کسب فضایل اخلاقی، به دست می‌آورد و این شرافت باعث استقرار عدالت اجتماعی، امنیت سرتاسری، برادری، برابری، آزادی و عزت یک جامعه می‌گردد.

۳- به مقتضای کرامت ذاتی انسان، نعمت‌هایی چون عقل، حق حیات و استفاده‌ی طبیعی از آنچه خداوند مسخر انسان قرار داده حق مسلم هر انسانی می‌باشد. بنابراین، اصرار ملتهای استعمارگر، متعصبان قبیله‌گرا و افراد تمامیت‌خواه بر ستم‌افروزی و نفرت پراکنی برای نیل به اهداف استعماری، عمل ضد انسانی و اسلامی تلقی می‌گردد.

۴- امیر علی شیرنواپی با تکیه بر مقتضای کرامت ذاتی انسان، توصیه وافر برای کسب تقوا و تقویت باورهای اسلامی نموده است؛ آثار منظوم وی پر است از توصیه بر اخلاق‌مداری، عدالت‌ورزی، برادری، انسان‌دوستی و برابری.

۵- امیر علی شیرنواپی، بر مبنای باورهای اسلامی و اعتقاد به کرامت ذاتی و ارزشی انسان، در طول صدارت و دیوان‌داری‌اش خدمات وافری را برای رفاه جامعه‌ی اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی به انجام رساند؛ در جهت ایجاد روحیه‌ی هم‌پذیری، برادری، برابری، عدالت اجتماعی، امنیت دائمی، تلاش وسیع نمود و با بنای مساجد، کتابخانه، مراکز مذهبی و عام‌المنفعه آثار انسان‌دوستانه‌ی زیادی را از خود به یادگار گذاشت و تمدن اسلامی را احیا نمود.

۶- از نظر ایشان، احترام به کرامت ذاتی انسان، مستلزم احترام به استقلال و آزادی انسان و قدرت انتخاب، تعقل و تفکر او می‌باشد.

پیشنهادها

گذشته‌ی تاریخی افغانستان، در تمام حوزه‌های تمدنی، بسیار درخشان بوده است؛ این تمدن فاخر بر اثر تلاش شبانه روزی دانشمندان چون امیرعلی شیرنواپی که یک سرمایه‌ی بی‌بدیل ملی به حساب می‌آید، به دست آمده و اینک بر تارک تاریخ کشور ما می‌درخشد. لکن سوگمندان باید گفت که مردم افغانستان با داشتن چنین سابقه‌ی تاریخی و تمدنی، اینک گرفتار فقر، اختلاف، نا امنی و صدها ناهنجاری دیگر شده است که در نتیجه‌ی این وضع نابسامان، کودکانش از ترس انفجار و انتحار در

مدارس و مراکز تعلیمی بر خود می‌لزند، مدرسان و معلمان از کشور فراری شده و تجار و مال‌التجاره آنان در آتش نا امنی می‌سوزد. برای بازگشت به آن سابقه‌ی تمدنی گذشته و رسیدن به رفاه اجتماعی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، رعایت حقوق انسانی شهروندان افغانستان بر مبنای کرامت اسلامی، نکات زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- در ماده «۲» اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هرکس، بی‌هیچ گونه تمایزی از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقاید سیاسی یا غیر سیاسی، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، ولایت یا هر موقعیت دیگر، از کلیه حقوق و آزادی‌های مذکور در این اعلامیه برخوردار خواهد بود.» علی شیرنویابی، این منشور انسانیت را با تکیه بر تعالیم اسلامی، مورد عمل قرار داده و باید رفتار و عملکرد ایشان در قالب بروشورهای رنگی، در کشور چاپ و باز نشر گردد و تمامی تلاشهای علمی، هنری و سیاسی وی در کتابهای درسی مدارس منعکس گردد.

۲- از نظر دین مبین اسلام و نیز از دیدگاه میرعلی شیرنویابی، کرامت به دو معنای اعم و اخص بکار رفته است. کرامت به معنای اعم، همان کرامت ذاتی یا حرمت نهادن به انسان است؛ و در معنای اخص نیز همان کرامت اکتسابی یا الهی است. کرامت ذاتی انسان عمومیت دارد و ناشی از فیض رحمانی خداوند می‌باشد، اما کرامت الهی او همان فیض رحیمی پروردگار است. آنکه کرامت الهی دارد لزوماً دارای کرامت انسانی نیز هست اما آنکه کرامت انسانی برایش در نظر گرفته می‌شود لزوماً نمی‌توان گفت که دارای کرامت الهی است. با توجه به اینکه مردم افغانستان تماماً مسلمان هستند، همگی از کرامت به معنای اخص و اعم برخوردار بوده و همگی قابل احترام می‌باشند. امید است تمام آثار علی شیرنویابی که بر حرمت ذاتی و اکتسابی انسان تأکید نموده است باز نشر شده و در اختیار مردم و حاکمان افغانستان قرار گیرد تا مردم کشور ما به شکوه کرامت انسانی زمان علی شیرنویابی دست یابد.

۳- توجه به کرامت انسانی و التزام عملی به تمام حقوق ناشی از آن (مانند حق حیات، حق آزادی، حق برخورداری از عدالت اجتماعی، حق بهره‌مندی از فضای امن و بدون تبعیض، حق آزادی بیان، حق آزادی اندیشه، حق آزادی مذهب، حق اعمال سیاست‌های که منجر به ایجاد برابری، برادری، تساهل و تسامح میان مردم گردد)، می‌تواند صلح دائمی در افغانستان را رقم زده و باعث استقرار نظام سیاسی مورد قبول تمام اقوام این کشور گردد.

۴- باید تمام آثار مکتوب علی شیرنویابی از کتابخانه‌های جهان مانند کتابخانه شورای ملی ایران و فرانسه استنساخ شود یا از آنها میکروفیلم تهیه گردد و به صورت مرغوب چاپ شود. این کوشش

برای این است که در سایه‌ی نهادهای نهادینه کردن اصول حقوق بشر و رعایت انواع مصادیق آن، میهنی بسازیم که افغانستانیان بتوانند منافع ملی، داد و ستد بازرگانی، سیاسی، اجتماعی و خانوادگی‌شان را با غرور و عزت بیشتری تأمین نمایند. کشوری که در آن دانایان، حکیمان، دینداران و خدمت‌گزاران، سیاست پیشه کنند و دانشمندان متعهد آن همواره به کام، زندگی نمایند. تا باشد که تمام بی‌مهری‌های وسیعی که نسبت به حقوق بشر در این سرزمین توسط بداندیشان و بدکیشان صورت گرفته است را جبران نماییم و در زمینه‌ی کشورداری همچون علی شیرنواپی، طرح نو در اندازیم.

منابع

❖ قرآن کریم.

۱. ارژنگ، اردوان و دهقان سیمکانی، مهدی، قاعده وجود تکریم انسان در فقه و حقوق اسلامی، فصلنامه مطالعات اسلامی فقه و اصول، سال ۱۳۹۴، دوره چهل و هفتم، شماره‌ی پیاپی ۱۰۰؛
۲. جعفری، محمدتقی، حقوق جهانی بشر از دیدگاه سلام و غرب، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۰، بی‌چا؛
۳. _____، رسائل فقهی، مؤسسه منشورات کرامت، تهران، ۱۴۱۹ هـ.ق، چاپ اول؛
۴. جوادی آملی، عبدالله، کرامت در قرآن، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران، ۱۳۶۶، بی‌چا؛
۵. حرّ عاملی، محمد، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسه آل‌البیت (ع) قم، ۱۴۰۹ هـ.ق، چاپ اول؛
۶. حسن‌زاده آملی، حسن، ممدالهمم در شرح فصص الحکم، وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران، ۱۳۷۸، بی‌چا؛
۷. حسنی، عطاءالله و نعمتی لیمائی، امیر، شخصیت سیاسی - ادبی امیر علی شیرنواپی و اثربخشی مکتب‌ساز او، فصلنامه مسکویه، دوره هشتم، شماره ۲۵، سال ۱۳۹۲؛
۸. حسینی، سیدجعفر و دیگران، کرامت انسانی در اعلامیه حقوق بشر و اسلام با تکیه بر اندیشه و اشعار عرفانی امام خمینی (ره)، فصلنامه بهارستان سخن، سال چهاردهم، ۱۳۹۶، شماره ۳۵؛
۹. حکمت، علی‌اصغر، جامی، توس، بی‌جا، ۱۳۸۶، بی‌چا؛
۱۰. خواندمیر، غیاث‌الدین، تاریخ حبیب‌السیر، ج ۴، با مقدمه جلال‌الدین همایی، نشر خیام، تهران، ۱۳۸۰، چاپ چهارم؛

۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳، بی‌چا؛
 ۱۲. رحمانی، ابراهیم و مؤذنی، سیامک، جایگاه کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد توسعه، ۱۳۹۵، شماره ۴۸؛
 ۱۳. رحیمی‌نژاد، اسماعیل، نگرش اسلامی به کرامت انسانی، فصلنامه معرفت حقوقی، سال ۱۳۹۰، دوره اول، شماره ۲؛
 ۱۴. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، تهران، ۱۳۷۰، بی‌چا؛
 ۱۵. عبادی، شیرین، تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۳، بی‌چا؛
 ۱۶. مطهری، مرتضی، مجموعه‌ی آثار، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۲، بی‌چا؛
 ۱۷. معین، محمد، فرهنگ معین، سپهر، تهران، ۱۳۶۰، چاپ چهارم؛
 ۱۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷، چاپ سی و پنجم؛
 ۱۹. میرخواند، محمد، تاریخ روضة الصفا فی سیره الانبیاء و الملوك والخلفاء، ج ۱۱، تصحیح: جمشید کیانفر، نشر اساطیر، تهران، ۱۳۸۵، چاپ دوم؛
 ۲۰. نوایی، امیر علی شیر، نظم الجواهر، گردآوری و ترجمه بهمن اکبری و سیومه غنی‌آوا، انتشارات الهدی، تهران، ۱۳۸۷، بی‌چا؛
 ۲۱. دیوان امیر نظام الدین علی شیرنوايي / فانی، به سعی و اهتمام، همایونفرخ، رکن‌الدین، انتشارات کتابخانه ابن سینا، تهران، ۱۳۴۲، چاپ اول؛
 ۲۲. هاشمی، سید محمد، حقوق اسلامی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۴، چاپ ششم؛
۲۳. Campbell, Henry, Blacks Law Dictionary, ۱۹۹۴;
۲۴. <http://abbasi1388.blogfa.com>;
۲۵. <http://amiralishir.um.ac.ir>;
۲۶. <http://www.drсадigh.ir>.